فهرست مطالب:

[خطبه اول 1](#_Toc429092376)

[معرفی سید رضی و سید مرتضی 1](#_Toc429092377)

[معرفی کتاب نهج‌البلاغه سید رضی 1](#_Toc429092378)

[معرفی نهج‌البلاغه 2](#_Toc429092379)

[معرفی خطبه قاصعة 2](#_Toc429092380)

[معنای لغوی قاصعة 2](#_Toc429092381)

طرد [شیطان 3](#_Toc429092382)

[آغاز عمل، یاد خداوند 3](#_Toc429092383)

[عالم تجلی خداوند 3](#_Toc429092384)

[حقیقت حمد 4](#_Toc429092385)

[حقوق والدین بر فرزندان 5](#_Toc429092386)

[اکرام و احترام فرزندان 5](#_Toc429092387)

[وظایف والدین در رفتار صحیح فرزندان 6](#_Toc429092388)

[حضور مردم در عرصه انتخابات 6](#_Toc429092389)

[وظیفه اعضای مجلس 7](#_Toc429092390)

[اخلاق اجتماعی انتخابات 7](#_Toc429092391)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه»[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# معرفی سید رضی و سید مرتضی

**سید رضی و سید مرتضی، دو برادر و دوعالم بزرگ که در بغداد زندگی می‌کردند. اینان هم در مدارج علمی و هم در مراتب معنوی و اخلاقی به قله‌های بلندی رسیده بودند. این دوعالم در حوزه بزرگ شیعه در بغداد که در قرن سه و چهار از حوزه‌های مهم شیعه بود تحصیل کردند. علمای بزرگی چون شیخ مفید، نجاشی، سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی و بسیاری علمای دیگر از این حوزه برخاستند. مرحوم سید مرتضی در مباحث کلامی و فقهی و مرحوم سید رضی در ادبیات عرب و شعر ممتاز بودند.**

# معرفی کتاب نهج‌البلاغه سید رضی

**مرحوم سید رضی بعضی از خطبه‌های نهج‌البلاغه، نامه‌ها، وصایا و جملات کوتاه نهج‌البلاغه را در قالب کتابی دیگر بانام نهج‌البلاغه جمع‌آوری کرده است. ایشان ذوق ادبی خاصی نیز داشتند و دیوان‌های شعری هم به زبان عربی دارند که در سطح بالای علمی قرار دارد. ایشان با این ذوق از بین خطبه‌های مفصل امیرالمؤمنین (ع) آن‌که ازنظر ادبی زیباتر بودند انتخاب کردند. سید رضی در کتاب نهج‌البلاغه گاهی از داخل هر خطبه قسمت‌هایی را برگزیده است.**

# معرفی نهج‌البلاغه

**نهج‌البلاغه غالباً سخنرانی‌های امام علی (ع) است و قسمتی دیگر هم شامل مطالبی می‌شود که ایشان در نشست‌های خود با عده‌ای از مردم بیان داشته و یا در زمان‌های مختلف در جواب سؤال‌های مردم بیان نموده‌اند. ایشان در طول پنج سال حکومت، در کوفه خطبه‌های نماز جمعه و در طی جنگ‌های طولانی جمل، صفین و نهروان سخنرانی‌های فراوانی داشتند. به گفته برخی بزرگان تعدادی خطبه‌های حضرت علی (ع) در سطح بسیار متعالی است. این نشان‌دهنده این است که حضرت گاهی در سخنرانی‌های خود مطالب عمیق و مهم اعتقادی را در باب توحید بیان می‌نمودند، طبعاً افرادی بودند که آن را درک می‌کردند اما بسیاری از آنان بعدازاین که علما ازنظر اعتقادی پیشرفت کردند، معنا شد. تعدادی از خطبه‌ها نیز در باب مسائل سیاسی و اجتماعی و اخلاقی است. گاهی نیز در یک خطبه چندین مسئله مطرح‌شده است.**

# معرفی خطبه قاصعة

**خطبه 192 نهج‌البلاغه نیز از خطبه‌هایی است که سید رضی برگزیده‌اند. این خطبه به نام خطبه قاصعة معروف است که یک سخنرانی شیوا و جامعی از حضرت علی (ع) است و مرحوم سید رضی آن را به‌صورت کامل در حدود سی صفحه در نهج‌البلاغه جای‌داده است. کلام امام علی (ع) از سخن خداوند پایین‌تر اما از سخن تمامی بشر بالاتر است. این خطبه به لحاظ جامعیت همچون عهدنامه مالک اشتر که مسائل زیادی را در باب مدیریت جامعه، حقوق مردم، حقوق حاکم و وظایف حکومت در آن ذکرشده است، می‌باشد چراکه تمام مسائل اعتقادی و اخلاقی در سطح خیلی گسترده بیان‌شده است.**

# معنای لغوی قاصعة

**قصع به معنای تحقیر است و نام این خطبه که قاصعه است، از این واژه گرفته‌شده است. حضرت علی در این خطبه دنیا و متکبران دنیا را تحقیر کرده است. در توضیح دیگری قصع را نشخوار کردن شتر می‌دانند، و گفته‌اند که حضرت، سخنرانی را روی شتر ایراد کردند.**

# طرد شیطان

**سید رضی قبل از شروع کردن خطبه می‌فرمایند: «وَ هِی تَتَضَمَّنُ ذَمَّ إِبلِیس لَعنَهُ اللّهُ»[[3]](#footnote-3) این** خطبه در خصوص شیطان و خصوصیاتی است که او را بعد از هزاران سال عبادت، به علت یک لرزش درونی ملعون خداوند قرارداد**. «عَلَی اسْتِکبَارِهِ وَ تَرکهِ السُّجُود لِآدَمَ عَلَیهِ السَّلَامِ و أنّه أوّل مَن أظهَرَ العَصَبيّةَ و تبع الحَميّة»[[4]](#footnote-4)** شیطان در آزمون الهی با سجده نکردن در مقابل انسان، در آزمون خداوند شکست خورد. او اولین کسی بود که از خود تعصب و تکبر نشان داد. در این حدیث نیز بر کبر و عصبیت و غرور شیطان انگشت گذاشته‌شده است.

# آغاز عمل، یاد خداوند

خطبه قاصعة این‌چنین آغاز می‌شود**: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْکبْرِیاءَ وَ اخْتَارَهُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِهِ وَ جَعَلَهُمَا حِمًی وَ حَرَماً عَلَی غَیرِهِ وَ اصْطَفَاهُمَا لِجَلَالِه»[[5]](#footnote-5)** همه ما می‌دانیم که سخن باید بانام و حمد و شکر خداوند شروع شود. این ادب اسلامی سخن گفتن است. در روایات بسیاری سفارش شده است که سخن با حمد و ثنا و یا با شکر و سپاس خدا آغاز شود. ثنا یعنی تمجید خدا و سپاس یعنی از خداوند اظهار امتنان کردن. قران نیز با سوره حمد و این سوره نیز با **«الْحَمْدُ لِلَّهِ»[[6]](#footnote-6)** آغاز می‌شود. در این سوره ابتدا نام و حمد خدا و پس‌ازآن تا پایان سوره نعمت‌های خدا شمرده می‌شود. ما نیز در هنگام نماز باید با تمام وجود با تلاوت این سوره خدا را سپاس گوییم.

# عالم تجلی خداوند

بیان این شکر گذاری و حمد و ثنا به این دلیل نیست که خداوند به حمد و ثنا احتیاج داشته باشد، بلکه این به نگرش ما بستگی دارد که نعمت‌های خدا را ببینیم و شکر کنیم که این ما را به خداوند نزدیک‌تر می‌کند. زمانی که ما حمد خدا را به‌جای می‌آوریم یعنی ما ناظر زیبایی‌های خداوند هستیم و می‌دانیم که خداوند در زیبایی‌های این جهان تجلی کرده است، و زمانی که خدا را سپاس گذاری می‌کنیم یعنی ما نیز شامل این لطف و عنایت شده‌ایم. زمانی که وارد یک نمایشگاه هنری شوید، تابلوی زیبایی را می‌بینید. شما از این تابلو تعریف می‌کنیم اما درواقع تعریف و تمجید اصلی برای کسی است که تابلو را به تصویر کشیده است و هنر خود را برای آن صرف کرده است. زمانی که محو معماری یک ساختمان می‌شوید بر معمار آن ساختمان آفرین می‌گویید. این حقیقت تعریف و تمجید از اشیا است.

# حقیقت حمد

فرق مؤمن و کافر در توجه است. شخص کافر و غافل توجه ندارد که این تعریف او تعریف از خداوند است، غافل از این است که تمامی زیبایی‌های عالم به دست خداوند طراحی‌شده است. همه جای عالم از زیبایی‌های خداوند تعریف می‌شود. عده‌ای مبهوت کهکشان‌ها و ستاره‌ها می‌شوند، اما متوجه عمق تعریف خود که خداوند است نیست. ما باید خود را همراه این حمد و ستایش جهان برای خدا بدانیم. حمد ما کاری از پیش نمی‌برد اما این نکته مهم اخلاقی است که ما با تمام موجودات عالم که خدا را حمد می‌کنند، همراه باشیم. پس تمامی حمدها مخصوص خداست، که انسان غافل متوجه این امر نیست، اما حقیقت امر چیزی جز این نیست و تغییری نمی‌پذیرد. ما نمی‌گوییم که خدایا ما تو را حمد می‌کنیم، بلکه می‌گوییم همه حمدها مخصوص خداست، و من نیز با این حمد و سپاس همراه می‌شوم. خدایی که عزت و بزرگی را به خود اختصاص داده است، و هیچ‌کس نمی‌تواند در این عزت و کبریا با خداوند شریک شود. حضرت علی (ع) خطبه خود را با حمد و سپس با تأکید بر عظمت و کبریا خداوند آغاز می‌کند. از همین‌جا ایشان وارد بحث تکبر و غرور می‌شوند که شیطان را نیز با تمام عبادت‌هایش به سمت سقوط کشاند.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ ،قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ ،لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ، وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ »[[7]](#footnote-7)**

**خطبه دوم**

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[8]](#footnote-8)**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# حقوق والدین بر فرزندان

**امام صادق (ع) در حدیثی چنین روایت‌فرموده است**: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَی بِرِّه»[[9]](#footnote-9)درود و رحمت خداوند بر کسی که به فرزندش کمک کند تا او به پدر نیکی کند. احسان به پدر و مادر مورد تأکید فوق‌العاده اسلام است. از مهم‌ترین مسائل اخلاقی خانواده اسلامی این است که فرزندان به والدین نیکی کنند. نیکی در تمامی سنین فرزند و حتی پس از مرگ والدین نیز سفارش شده است. در روایات متعددی ذکرشده است که فرزند پس از مرگ نیز ممکن است عاق شود، چراکه روح والدین با فرزند در ارتباط است. از دید اسلام در محیط اجتماع نیز احترام نسل جدید به نسل‌های قبلی اهمیت دارد.

#  اکرام و احترام فرزندان

سخن امام صادق (ع) نیز به این معنی می‌باشد که درود خدا بر پدر و مادری که طوری رفتار کنند که فرزندان به آن‌ها احترام بگذارند و رفتار صحیح داشته باشند. والدین باید زمینه این احترام و اکرام را فراهم کنند. والدین گاهی فرزند را عاصی و طاغی می‌کنند و فرزند را تحت‌فشار قرار می‌دهند و او در مقابل والدین خود قرار می‌گیرد.

# وظایف والدین در رفتار صحیح فرزندان

شخصی در میان صحبت امام صادق (ع) دچار ابهام شد و پرسید**: «قُلْتُ کیفَ یعِینُهُ عَلَی بِرِّه»[[10]](#footnote-10)** والدین چه باید بکنند تا فرزندان خوب رفتار کنند؟ امام پاسخ گفتند**: «یقْبَلُ مَیسُورَهُ وَ یتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا یرْهِقُهُ وَ لَا یخْرَقُ بِه»[[11]](#footnote-11)**

**-**به‌اندازه‌ای که در توان اوست از او بپذیرد، یعنی بیش از توانش (در علم، اخلاق و...) از او انتظار نداشته باشند. گاهاً خانواده‌ها توقعات بسیاری از فرزندان دارند به فرض مثال می‌خواهند مانند یک شخص میان‌سال رفتار خوب داشته باشد و هیچ‌گاه اشتباه نکند. پاسخ این سخت‌گیری والدین، طغیان فرزند است.

-خطاهای فرزند را تا حد امکان ببخشید. اشتباه او اقتضای سنش است و این والدین هستند که باید ببخشند و با مهربانی برخورد کنند.

-فرزند را به عصیان نکشانند. طوری برخورد نکنند که پرده حیا از میان برود، که اگر چنین شد برگرداندن به حالت قبل مشکل است.

-سعی کنید به‌اندازه بر او تحمیل کنید. اسلام به فرزندان بسیار درباره احترام به والدین و بزرگ‌ترها تأکید کرده است اما نباید این انتظار یک‌طرفه باشد و دیگران خود را درباره رفتار آن‌ها مسئول ندانند. چراکه والدین سن و تجربه بیشتری دارند و به طبع مسئولیت آنان نیز سنگین‌تر است. بسیاری از رفتارها و خطاهای فرزندان به دلیل نوع تربیت ما در منزل است.

# حضور مردم در عرصه انتخابات

ارزش انتخابات به این است که ما حضور مردم را در عرصه تعیین سرنوشت بالا ببریم. آنچه اهمیت دارد این است که انتخابات به سمت سالم پیش رود، که تاکنون در این زمینه اقداماتی شده است اما نیازمند تلاش‌های بیشتری است. حضور مردم ما درصحنه انتخابات باعث افتخار ملت و کشور در میان کشورهای منطقه است.

# وظیفه اعضای مجلس

اعضای مجلس نیز باید بدانند که حضور و مشارکت مردم و این آزادی کشور، به برکت اسلام و خون شهدا بوده است. نشود که انقلاب و شهدا سبک شمرده شوند. اعضای مجلس باید امیدی که دشمنان بسته‌اند که روزی معنویت را در کشور ضعیف می‌کنند، به یاس تبدیل کنند.

#  اخلاق اجتماعی انتخابات

تمامی افراد جامعه باید با منتخبین همدلی و همکاری داشته باشند. ادب و احترام نسبت به‌تمامی کسانی که در انتخابات نقش دارند یک اخلاق اجتماعی می‌طلبد که همه باید رعایت کنند. اختلافاتی ممکن است بین جناح‌های مختلف وجود داشته باشد اما آنچه حائز اهمیت است مشکلات کشور و مصالح انقلاب است.

ضعف‌هایی که در انتخابات وجود دارد باید در دوره‌های بعد برطرف شود و برای محکم کردن پایه‌های اعتقادی و اخلاقی مردم تلاش صورت بگیرد، از این طریق ما می‌توانیم آینده اسلام و انقلاب را حفظ کنیم. کشور ما این ظرفیت را در خود نشان داد که میزان رأی مردم است.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الراحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **سوره آل‌عمران، آیه 102.** [↑](#footnote-ref-2)
3. نهج البلاغة، ص 285 [↑](#footnote-ref-3)
4. همان [↑](#footnote-ref-4)
5. . شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 13، ص 127 [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره الفاتحة، آیه 2 [↑](#footnote-ref-6)
7. . توحید، آیات 1 تا 4 [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره حشر، آیه 18 [↑](#footnote-ref-8)
9. . الکافی، ج 6، ص 50 [↑](#footnote-ref-9)
10. . الکافی، ج 6، ص 50 [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان [↑](#footnote-ref-11)